

مردان داشتند و این یعنی آنها بیشتر از قربانی شدن در حوزه جرائم شهری می‌ترسند. از سوی دیگر، بیشترین ترس مردان در حوزه اقتصادی بوده است که باتوجه به نرخ اشتغال متفاوت مردان و زنان، این تفاوت قابل پیش بینی است.

عبدالملکی اضافه کرد که آمارهای ما در این حوزه جامع نیست؛ چون مرکز آمار بهزیستی و کمیته امداد مرکز پژوهش‌های مجلس، با هم متفاوت است: «ما هم در مفهوم، هم در آمار دچار مشکلاتی اساسی هستیم. حمایت ۸۰۰ هزار تومانی نهادهای حمایتی از زنان سرپرست خانوار، توهین و شکستن عزت‌نفس آنهاست. بسیاری از جامعه‌شناسان درباره افزایش زنانه‌شدن فقر در ایران هشدار می‌دهند. وقتی زنی سرپرست خانوار می‌شود، هیچ حمایتی دریافت نمی‌کند. تاکیدشده بر سیاست‌گذاری‌های مبتنی بر آمارهای دقیق، نه تخمینی؛ اما آمارهای ما دقیق و کامل نیستند. از طرف دیگر، بر تفکیک دقیق گروه‌های مختلف زنان سرپرست خانوار تاکید شده است. یکی از مشکلات اساسی این گروه از زنان این است که بیشتر آنها در دهک‌های پایین قرار دارند و از نظر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به‌شدت آسیب‌پذیرند. فقر زنانه‌شده در جامعه ما مسئله‌ای است که به‌صورت مستمر در حال بازتولید است. نقطه مشترک تمام دیدگاه‌ها در کشور درباره زنان سرپرست خانوار تاکید بر عدالت جنسیتی و حمایت هوشمند از آنهاست. توانمندی به این معنا نیست که یک دوره آموزشی کوتاه‌مدت مثل آشپزی، پرورش قارچ و گل‌های تزئینی برگزار شود، بلکه باید به‌صورت هدفمند و هوشمند صورت گیرد تا زنان بتوانند از آن درآمدزایی داشته باشند.» به گفته او قوانین کشور در این حوزه، هم دچار تعارض است. هم فقدان موارد اثربخش کیفی و گاهی حمایت‌های دولتی باعث انزوا و انگ اجتماعی می‌شود: «حمایت‌های ناقص از یک زن سرپرست خانوار به‌ویژه در محیط‌های روستایی و عشایری، باعث تحقیر آنها می‌شود. اشتغال بدون مهارت، نوعی تشدید بهره‌کشی است. فرد ممکن است شغلی داشته باشد، اما مهارتی ندارد که به‌عنوان یک امتیاز درنظر گرفته شود که این باعث استمرار بهره‌کشی از او می‌شود. بیشتر مطالعات ما در این حوزه روی زنان شهری متمرکز و حمایت از آنان بیشتر از زنان روستایی و عشایری مورد توجه قرار گرفته است. بسیاری از این زنان، از حق خود هم مطلع نیستند که آن را مطالبه کنند.» معاون پیشین پژوهش و افکارسنجی تحقیقات صداوسیما معتقد است که نگرش مردم باید نسبت به زنان سرپرست خانوار تغییر کند؛ چون آنها به‌صورت قهری سرپرست شده و به‌شدت مورد قضاوت‌های اجتماعی قرار دارند: «اگر فردی از آنها حمایت کند، مورد انگ قرار می‌گیرند. مظلومیت این زنان چندبعدی است، رسانه‌های ما درباره تغییر ذهنیت نسبت به زنان سرپرست خانوار، کم‌کاری کرده‌اند و نتوانستیم بازنمایی خوبی از این گروه زنان داشته باشیم. خود این زنان هم باید حتماً با تشک‌های صنفی، اجتماعات علمی و مطالبه‌گری دقیق، از این فضا فاصله بگیرند.» عبدالملکی گفت که ۷۰ درصد زنان سرپرست خانوار تحت پوشش نهادهای حمایت‌گر زیر خط فقرند: «این آمار غیر از زناتی است که تحت پوشش نیستند و سنت‌ها به آنها اجازه کمک‌گرفتن از این نهادها را نمی‌دهد. در ایلام، سنت‌هایی داریم که اجازه نمی‌دهد یک زن از حمایت‌های این نهادها کمک بگیرد. این زنان در بخش‌های غیررسمی با درآمد بسیار پایین کار می‌کنند و با شکاف دستمزد جنسیتی روبه‌رو می‌شوند. در هر جایی که به‌صورت میانگین زنان ۴۰ تا ۵۰ درصد نسبت به مرد همسان در مهارت، دستمزد پایین‌تری دارند.»

او از انگ اجتماعی به‌ویژه برای زنان مطلقه گفت و توضیح داد: «در یکی از مناطق ایران طلاق یعنی مرگ زن. خیلی از زنان توسط خانواده خودشان طرد می‌شوند. چین توانست در قالب صنایع کوچک و خرد، زنان را وارد حوزه صنعت و به‌شدت مورد حمایت اجتماعی قرار دهد. یکی از مسائل اساسی آنها، مباحث حقوقی است و ما به‌شدت با ضعف اجرای قوانین روبه‌رو هستیم. زنی که طلاق گرفته، نمی‌تواند از حق‌اش دفاع کند و مهریه و ارث خود را از طرف پدری و همسرش بگیرد. زنان سرپرست خانوار شبکه حمایت از یکدیگر را ندارند که بتوانند مطالبه‌گری کنند.» به گفته او، در بحث توانمندی اقتصادی هم آمارهای زیادی مطرح می‌شود؛ اما باید طبق تعریفی صورت گیرد که یونسکو ارائه داده و فرد به شغلی پایدار برسد و تسهیلات مالی و اعتباری شامل وام‌های کم‌بهره هم باید موردتوجه قرار بگیرد. ضمانت‌های خرد دولتی، ایجاد فرصت‌های شغلی انعطاف‌پذیر و حمایت از مشاغل خانگی هم بخش دیگری از اقداماتی است که باید مورد توجه قرار گیرد. علاوه بر این در بحث اجتماعی و فرهنگی هم مشاوره رایگان، گروه‌های همیاری، شبکه‌های حمایتی و مراکز حمایتی و امن برای زناتی که در معرض خشونت هستند، باید مورد توجه قرار گیرند.

▼ فرار نهادی در حوزه زنان



در ادامه فردین منصوری، مدیر گروه ارزیابی تأثیر اجتماعی انجمن جامعه‌شناسی ایران هم درباره نتیجه یکی از پژوهش‌های خود در این زمینه توضیح داد و گفت: «ما در یکی از پژوهش‌های خود در زمینه زنان سرپرست خانوار به موضوع نداشتن حس خوشبختی در این زنان روبه‌رو شدیم. بسیاری از آنها حس خوشبختی نداشتند و این موضوع هم تک‌مقوله نیست، موضوعی چندبعدی است و باید به آرامی در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌ها در حوزه کلان و خرد به آن برسیم. ما در حوزه بهزیستی و شهرداری، مرکز توانمندسازی حوزه زنان داریم اما این مسئله چقدر توانسته در زندگی روزمره زنان سرپرست خانوار حداقل به‌عنوان یک شهروند تغییری ایجاد کند؟ من به‌عنوان یک پژوهشگر متوجه مسئله‌ای بنام فرار نهادی شده‌ام. آیین‌نامه و بخشنامه‌های زیادی وجود دارد اما اینکه کدام نهاد متولی است و

خودش را در حوزه توانمندسازی مسئول بداند، اهمیت زیادی دارد. در حوزه زنان سرپرست خانوار، نهاد متولی که عهده‌دار کامل توانمندسازی باشد، نداریم. همه حمایت‌ها کوتاه‌مدت و مقطعی است و به همین دلیل است که دچار نارضایتی و نداشتن خوشبختی می‌شوند. در ذهن مدیران شهری ما مسائل زنان سرپرست خانوار هنوز به مسئله تبدیل نشده است.»

▼ **۷۴ درصد از زنان سرپرست خانوار درآمدی ندارند**
فاطمه موسوی ویایه، جامعه‌شناس، سخنران دیگر این نشست بود که گفته‌های خود را با پیشینه‌ای تاریخی آغاز و تلاش کرد به این پرسش پاسخ‌دهد که چرا مسائل زنان سرپرست خانوار در دوره‌های گذشته مطرح نبود و حالا به وجود آمده است. او توضیح داد که ۱۰۰ سال پیش خانواده در ایران یک واحد اقتصادی تعریف شد که از همه اعضای خود در برابر مشکلات زندگی حمایت می‌کرد: «اگر همسر زنی که نان‌آور بود جانش را از دست می‌داد، این زن و فرزندانش تحت سرپرستی برادرشوهر بزرگ قرار می‌گرفت و او تکفل را برعهده می‌گرفت. اگر زنی طلاق می‌گرفت، حضانت‌فرزند را برعهده نداشت و به خانه پدری خودش برمی‌گشت و در اولین فرصت هم دوباره ازدواج می‌کرد. اگر زن یا مرد سالمند بود، در خانه فرزندش زندگی می‌کرد و یکی از وظایف تعریف‌شده برای فرزندان بود و زنان نوعی سلسله‌مراتب را تحمل می‌کردند.»

او اصلاحات اجتماعی و ارضی در عصر پهلوی و تغییر نهادهای اجتماعی در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ را در تغییر این روند موثر دانست و توضیح داد: «به‌دلیل این تغییرات تعداد خانواده گسترده در کشور کمتر شد و به خانواده‌های هسته‌ای پر جمعیت، سپس خانواده‌های هسته‌ای کم‌جمعیت تبدیل شد. در سال ۱۳۹۵ حدود ۴۰ درصد از خانواده‌های ایرانی یک فرزند داشتند، اینجا برای کسانی که الان سالم‌نندند، اتفاقی افتاد که به آنها بازندگان مدرسه‌الاری می‌گوییم. کسانی که در زمان ازدواج‌شان شرایط گذشته و خانواده سنتی را تحمل کردند و امیدوار بودند در سال‌های آینده در جایگاه یک مادرشوهر از امتیازات آن بر خوردار می‌شوند، اما امروز دیگر این شرایط وجود ندارد. امروز مسئولیت مراقبت از مادران سالمند، توسط دختران انجام می‌شود و بار مسئولیت دیگر بر عهده پسر بزرگ خانواده نیست.»

به گفته او، در این شرایط از دولت انتظار می‌رود این حمایت‌ها را عرضه کند به‌عنوان یک خبر عمومی وظیفه دارد از خانواده‌های در معرض آسیب، فقیر، نکاد و سالمند حمایت کند اما دولت در ایران نمی‌خواهد این وظیفه را انجام دهد: «در سال ۱۳۷۱ قانون حمایت از زنان و کودکان بی سرپرست تصویب شد که شامل نگهداری از کودکان، زنان مطلقه، سالمند و گروه‌های دیگری بود که تمکن مالی نداشتند و قرار بود دولت از آنها حمایت کند، اما بار مالی آن از سوی دولت پذیرفته نشد. از سوی دیگر، دیدگاهی سنتی وجود دارد که هنوز تنها شکل خانواده در ایران که به‌رسمیت شناخته می‌شود، مدرسه‌الار سنتی است که طبق آن مرد تأمین معاش را انجام می‌دهد و زن هم خانه‌دار است. برای بازتولید این الگوی خانواده، هرنوع قانونی تصویب می‌شود. زنان از دوران کودکی برای مشاغل خانگی تربیت می‌شوند، نه اینکه به افرادی تحصیلکرده، شاغل و مستقل تبدیل شوند. نتیجه‌آن، نرخ اشتغال زنان در ایران است که کمتر از ۱۴ درصد است که یکی از پایین‌تری

نرخ‌های اشتغال در جهان است. این آمار در شرایطی به دست آمده که آمار زنان تحصیلکرده در ایران بالاست. میانگین درصد اشتغال زنان کشورهای مسلمان، ۳۰ درصد و میانگین جهانی آن، ۴۹ درصد است. سال ۱۳۵۵ هم این آمار ۱۳ درصد بوده است؛ این یعنی حاکمیت سیاست‌های خود را به‌شکلی در نظر گرفته است که زنان شاغل نشوند. زنی که شاغل نیست در برابر مرگ همسر و طلاق آسیب‌پذیر است. زنی که سرپرست ندارد اولین کاری که باید انجام دهد، ازدواج است. در قانون حمایت از زنان و کودکان آمده است که حمایت‌های مالی از زنان تا زمانی ادامه دارد که این افراد ازدواج کنند یا تمکن مالی پیدا کنند. بند ۱۴ سیاست‌های کلی خانواده از حمایت حقوقی، اقتصادی و فرهنگی از خانواده‌هایی با سرپرستی‌زنان و تشویق و تسهیل آنها می‌گوید. آیا این سیاست‌قابل اجراست؟ موسوی توضیح داد که طبق آمارهای رسمی سه میلیون و ۶۰۰ هزار زن سرپرست خانوار در کشور وجود دارد و ۲۶ درصد، کمتر از ۴۵ سال و ۳۲ درصد، بالای ۶۵ سال دارند: «زنان بالای ۶۵ سال اگر سرگرم می‌فزند، امروز بازنشسته می‌شدند و نمی‌توان از آنها انتظار داشت که مستقل شده باشند یا دوباره ازدواج کنند. درصدی از آنها فرزند دارند و ۷۰ درصدشان بی سواد و کم‌سوادند. مشاغلی که به آنها آموزش داده می‌شود، محدود است و کم دستمزدند. در این شرایط دولت باید آنها را تحت تکفل قرار دهد.»

به گفته موسوی، ۷۲ درصد از آمار رسمی زنان سرپرست در خانوار، هیچ درآمدی ندارند و ۳۰۰ هزار نفر تحت پوشش بهزیستی قرار دارند، یک میلیون و ۱۰۰ هزار نفر تحت تکفل کمیته امدادند و بهزیستی فقط سه‌سال و شش‌ماه به آنها مستمری پرداخت می‌کند که در سال ۱۴۰۴ برای زنی با چهار فرزند، سه میلیون و ۲۰۰ هزار تومان پرداخت می‌شود: «از طرف دیگر از وام، اشتغال و بازار فروش صنایع خانگی گفته می‌شود. در سه‌سال دولت سیزدهم تنها ۱۲۰ هزار وام به زنان سرپرست خانوار پرداخت شده است. دلیل ناکافی بودن آن این است که آنها در سن و سطحی از سواد و مهارت قرار دارند که برای مستقل‌بودن و خودکفایی تربیت نشده‌اند.»

او از بند سوم‌ماده چهارم قانون حمایت از زنان و کودکان می‌گوید که در آن دولت موظف به نگهداری و تأمین محل سکونت و به سرپرستی دادن زنان و کودکان بدون سرپرست موظف بود: «طبق این ماده که در سال ۱۳۹۲ حذف شد، خانواده‌ها می‌توانستند از بهزیستی زنی سالمند را برای قصه‌گویی به خانه خود ببرند. اما نکته مهم این بود که قانون‌گذار تصور می‌کرد، زنان سالمند آنچنان مهجورند که می‌توان سرپرستی او را به یک بیگانه واگذار کرد.»

طبق آمارهایی که موسوی ارائه کرد، ۱۵ درصد جمعیت خانوارهای ایران، زنان سرپرست خانواری‌اند که در فقر زندگی می‌کنند. شش درصد زنان ایرانی، تحت خشونت شدید قرار دارند و هنوز طلاق نگرفته‌اند. ۲۰ درصد خانوارهای ایرانی، با رنج روزگار می‌گذرانند: «این آمارها تلفات جانبی و ناخواسته نظم جنسیتی مدرسه‌الارانه‌ای است که از کودکی زنان و کودکان را طوری تربیت می‌کند که طبق آن مرد، خرج خانواده را می‌دهد. برای رف‌ساختاری و بلندمدت مشکل زنان سرپرست خانوار باید مشکل این نظم جنسیتی، حقوق نابرابر و تبعیض مدام علیه‌زنان حل شود. سیاست خانواده در ایران بازتولید خانواده مدرسه‌الار و مبتنی بر این است که اشتغال و خودکفایی زنان کم شود. برای حل این مشکل هم باید سیاست‌های خانواده و اجتماعی در ایران تغییر کند.»

آگهی مفقودی

برگ سبز سند کمپانی و تسلسل اسناد محضری خودروی سواری پژو ۱۶۰۰آردی مدل ۱۳۷۹،رنگ سبزروغنی شماره موتور ۲۲۳۲۷۹۱۳۷۰۳،شماره شاسی ۷۹۷۱۴۳۰۳ شماره پلاک ۱۵ ایران ۲۴۶ ق ۸۲ به نام معصومه سید زوار مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی مفقودی

برگ سبز سند کمپانی و تسلسل اسناد محضری خودروی سواری پژو ۴۰۵ جی ال ایکس مدل ۱۳۷۳،رنگ طوسی سیر روغنی شماره موتور ۲۵۱۷۳۰۲۹۷۹،شماره شاسی ۷۳۳۰۹۲۸۴ شماره پلاک ۷۲ ایران ۲۲۵ ق ۳۸ به نام رمضان جهانی بهمنیری مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله‌ای

موضوع: خرید یک فقره تقاضا

شرکت پالایش گاز فجر جم درنظر دارد کالای موضوع فراخوان عمومی دو مرحله‌ای خرید البسه سالیانه کارمندان به شماره مناقصه A-۰۳۰۵۱۴۰-۰۳۱۳۱۳K۴۰ رااز طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) برگزار نماید.
کلیه مراحل برگزاری مناقصه (اعلام آمادگی، فیش واریزی بابت خرید اسناد مناقصه، ارائه پیشنهادات فنی/ مالی/ ویاژگشایی پاکات) از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) به آدرس WWW.SETADIRAN.IR انجام خواهد شد.
از سمت مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور در یافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه، مرکز تماس: ۱۴۵۶

۱- نام و نشانی دستگاه مناقصه گزار: شرکت پالایش گاز فجر جم، به نشانی استان بوشهر- شهرستان جم- پالایش گاز فجر جم- امور کالا- کد پستی ۷۵۵۹۱۴۷۱۷۲
وقف جدول ذیل به صورت آگهی فراخوان ارزیابی عمومی دو مرحله‌ای

ردیف	شماره مناقصه	شماره فراخوان در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت	عنوان مناقصه	مهلت دریافت اسناد مناقصه از طریق سامانه ستاد	مهلت تحویل اسناد مناقصه از طریق سامانه ستاد
۱	A-۰۳۰۵۱۴۰-۰۳۱۳۱۳K۴۰	۲۰۵۴۵۹۲۲۷۳۰۵۵۵۱۷	خرید البسه سالیانه کارمندان	۱۶/۰۳/۱۴۰۴ ساعت ۱۴:۰۵	۰۸/۰۴/۱۴۰۴ ساعت ۱۶:۰۵
			مبلغ تضمین شرکت در مناقصه		
	مبلغ (برایال)		نوع تضمین		
	۶,۰۶۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال		ارزیابی عمومی- دو مرحله‌ای		
		طبق ماده ۵ بند الف و جدول شماره یک آیین نامه تضمین معاملات دولتی سال ۱۳۹۴ (ترجیحاً ضمانت نامه بانکی یا واریز وجه سپرده)			

۱-میزان ونوع تضمین شرکت در مناقصه: مطابق با جدول فوق و طبق ماده ۵ بند الف و جدول شماره یک آیین نامه تضمین معاملات دولتی سال ۱۳۹۴ (ترجیحاً ضمانت نامه بانکی یا واریز وجه سپرده) می باشد.

۲-ثبت مشخصات مناقصه گردر ضمانت نامه های صادره اعم از کد اقتصادی، شناسه ملی، شماره ثبت شرکت، کد پستی، تلفن ثابت وهمراه شرکت، آدرس کامل شرکت و نام مدیرعامل الزامی می باشد).

۳-مناقصه گران محترم می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به پایگاه اطلاع رسانی الکترونیکی این شرکت به نشانی www.fajrjam.ir یا به آدرس استان بوشهر، شهرستان جم، شرکت پالایش گاز فجر جم- امور کالا(کد پستی ۷۵۵۹۱۴۷۱۷۲) مراجعه یا با شماره تلفس: ۰۳۱۶۸۲۱۵۳-۷۷۰۳۱۶۸۲۱۵۳ تماس حاصل نمایند.
ضمناً فراخوان مناقصه مذکور در پایگاه اطلاع رسانی مناقصات به نشانی http://\iets.mporg.ir و پایگاه اطلاع رسانی شرکت ملی نفت ایران به نشانی www.shana.ir نیز قابل مشاهده می باشد.

روابط عمومی شرکت پالایش گاز فجر جم

خبرسازان



جزئیات کشته شدن یک زندانی

دیروز هفدهم خردادماه، حوالی ساعت ۳۰:۱۲ ظهر، پلیس استان البرز خبر داد که صدای تیراندازی در بیمارستان امام علی(ع) کرج به گوش رسیده است. به گزارش پلیس، یک زندانی سابقه‌دار و متهم به قتل که برای انجام اقدامات درمانی به بیمارستان منتقل شده بود، با همکاری همسرش که دو قبضه سلاح گرم با خود به درون مرکز درمانی آورده بود، قصد فرار داشت، با شلیک پلیس جان خود را از دست داد. بعد از آن، حسین فاضلی‌هریکندی، رئیس کل دادگستری استان البرز در این باره گفت که فرد مورد اشاره دارای سوابق متعددی بوده و به اتهام قتل عمد، محکومیت قطعی به قصاص نفس داشته است و در زندان قزلحصار نگهداری می‌شد: «زندانی برای انجام اندوسکوپی به بیمارستان امام علی (ع) منتقل شده بود و درحالی که دستبند و پابند داشته در زمانی که برای انجام کارهای درمانی آماده می‌شد، خانمی که از قبل در بیمارستان حضور داشته و کیف گیتاری به همراه داشته و با زندانی هماهنگ بوده، به‌سرعت وارد اتاق شده و اسلحه آماده را در اختیار او قرار می‌دهد. زندانی اسلحه را به‌سمت مامورین زندان گرفته و با تهدید، کلید دستبند را از آنها می‌گیرد. او بعد از بازکردن دستبند و پابند، سعی داشته فرار کند که مامور به سمت زندانی قاتل شلیک کرده و متهم کشته می‌شود.»



خشونت ۳۰ برابر

دیروز زهرا بهروزآذر، معاون امور زنان و خانواده رئیس‌جمهوری هم در واکنش به قتل الهه حسین‌نژاد گفت، هنوز در وضعیتی به‌سر می‌بریم که میزان خشونت و همسرداری بین زنان ۳۰ برابر مردان است: «متأسفم که این داده هنوز اتفاق اخیری که چندروز گذشته رخ داد و همه ما را رنجور کرد، مصاحبه‌ای از همسر ایشان دیدم که این مرد، همسرداری و ضرب‌وشتم داشته و شکایت‌های مختلفی علیه او ثبت شده است. این نشان می‌دهد که یک جایی از مسیر را اشتباه رفتیم؟ چرا زمانی که این خشونت اعلام شده، پرونده او را به حوزه مددکاری نبریم؟ چرا او را وارد چرخه سلامت روان نکردیم؟ چرا با ارائه مشاوره به‌طور ویژه، بررسی و با او گفت‌وگو نکردیم؟ مرحله‌به‌مرحله این خشم در او گسترده‌تر شده و فاجعه را به‌بار آورده است. اینها موضوعات مهمی است که باید اورژانس اجتماعی را جدی‌تر بررسی کنیم. پرونده‌ها را جدی بررسی کنیم. در این مسئله جنسیت مهم نیست، مهم این است که وقتی نشانه‌ای ایجاد می‌شود، آن را جدی بگیریم و فرآیندهای درمان را شروع کنیم و مطمئن شویم که به نتیجه می‌رسد.»

جعفر تشکر ی‌هاشمی، رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای شهر تهران هم در دیروز در واکنش به قتل الهه حسین‌نژاد گفته است، این وظیفه ذاتی شهرداری تهران است که صلاحیت‌های فردی رانندگان، همچنین شرایط فنی خودرو را بررسی کرده و پس از احراز شرایط، مجوز فعالیت به راننده و وسیله‌نقلیه مربوطه صادر کند.

آگهی مفقودی

برگ سبز سند کمپانی و تسلسل اسناد محضری خودروی سواری پیکان مدل ۱۳۷۶رنگ سفید روغنی شماره موتور۰۷۹۱۱۱۲۶۰۰۳،شماره شاسی ۰۳۸۴۱۳۰۳-۷۶۴۰ شماره پلاک ۲۵ ایران ۶۳۳ م ۲۵ به نام محرم محمدی اشرف‌آباد مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.